



Munich Personal RePEc Archive

Review of “Economic Development” by Wayne Nafziger

Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies

2 January 2018

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/125669/>
MPRA Paper No. 125669, posted 12 Aug 2025 21:20 UTC

نقد کتاب توسعه اقتصادی

سیدحسین میرجلیلی*

چکیده

این کتاب اقتصادهای درحال توسعه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، و اروپای شرقی و مرکزی را، که حدود ۸۵ درصد جمعیت جهان است، تحلیل می‌کند. متن مسئله‌مند است و مسائل کشورهای درحال توسعه را در قالب سؤال در نوزده فصل مطرح کرده و بدان‌ها پاسخ داده است. محتوای اثر عمده سرفصل‌های درس توسعه اقتصادی را پوشش می‌دهد. نظم منطقی و انسجام درونی در بخش‌ها و فصول مختلف کتاب وجود دارد. این اثر با کتاب توسعه تودارو مقایسه و مزایای آن مطرح شده است. گزارش کمیسیون رشد و توسعه، آسیب‌شناسی رشد، اقتصاد توسعه رفتاری، روش روایت‌های تحلیلی، و روش تجربه کنترل‌شده از مباحث جدید توسعه اقتصادی است که در کتاب توسعه اقتصادی نافزیگر بحث نشده است. روش نقد متن روش تحلیلی - تطبیقی است. بدین صورت که محتوای فصول متن با متون مشابه شناخته شده است. مقایسه از جهت روزآمدی محتوا نقد شده و موضوعات جدید مورد بحث در متون جدید توسعه اقتصادی معرفی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، نظریه‌های توسعه، سیاست‌های توسعه، اقتصاد توسعه، نافزیگر.

۱. مقدمه

این کتاب به‌طور کلی اقتصادهای درحال توسعه آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین را تحلیل می‌کند. این مقاله نیز به ارزیابی شکلی و محتوایی اثر می‌پردازد. سازمان‌دهی مقاله به‌صورت ذیل است. پس از مقدمه به توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن می‌پردازند. سپس تحلیل و ارزیابی محتوای فصول اثر ارائه می‌شود. بخش بعدی به ارزیابی انتقادی از نظریه‌های

* دانشیار اقتصاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، h.jalili@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

توسعه اقتصادی فصل پنجم کتاب اختصاص دارد. پس از آن مباحث جدید توسعه اقتصادی را معرفی می‌کند که کتاب از ارائه و تحلیل آن‌ها غفلت کرده است. سرانجام، نتیجه‌گیری آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

مؤلف اثر، ای. وین نافزیگر (۱۹۳۸-۲۰۱۶)، استاد تمام اقتصاد دانشگاه کانزاس آمریکا و مؤلف کتب و مقالات متعدد در توسعه اقتصادی، از جمله مقاله «نقد اقتصاد توسعه در ایالات متحده آمریکا» (۱۸-۳۴: ۱۹۷۶: Nafziger)، «نظریه توسعه: چهار مطالعه انتقادی» (Nafziger et al. ۱۹۷۹)، کتاب فقر و ثروت: مقایسه توسعه آفریقا و آسیا (Nafziger ۱۹۹۴)، کتاب یادگرفتن از ژاپنی‌ها: توسعه قبل از جنگ ژاپن و جهان سوم (Nafziger ۱۹۹۵)، مقاله «میجی ژاپن به عنوان یک الگو برای توسعه اقتصادی آفریقا» (۴۴۳-۴۶۴: ۲۰۰۵: Nafziger)، مقاله «معنای توسعه اقتصادی از سیرز تا سن» (Nafziger ۲۰۰۷)، مقاله «کارآفرینی و توسعه» (Nafziger ۲۰۰۸)، و کتاب توسعه اقتصادی (ویراست پنجم، ۲۰۱۲) است.

طرح جلد شامل تصویر یک ساختمان بلند است که در بالای آن درختان روئیده است و نمایانگر رشد و توسعه و رویش است. صحافی، قطع کتاب، نوع، و اندازه قلم و صفحه‌آرایی مناسب است. ویرایش ادبی از قبیل علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی در اثر رعایت شده است. ویراستار فنی ترجمه کتاب آقای کاظم فرهادی است که علاوه بر ویرایش فنی، زیرنویس‌هایی توضیحی بر کتاب افزوده است. اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن و کتاب‌نامه رعایت شده است. فقط چند اشتباه تایپی وجود دارد: صفحه ۷۵ «مشاور اقتصادی با بانک جهانی» (با اضافی است) و صفحه ۱۰۲ «گسترش» (گسترش). کتاب واژه‌نامه انگلیسی-فارسی، نمایه موضوعی، نمایه نام‌ها، و کتاب‌نامه تفصیلی دارد.

اصطلاحات و سؤالات برای بحث و راه‌نمایی برای مطالب خواندنی در پایان هر فصل ارائه شده است. این کتاب به عنوان متن درسی برای دانشجویان درس اقتصاد توسعه تألیف شده است. مؤلف در این کتاب به تحلیل اقتصادهای در حال توسعه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین، و اروپای شرقی-مرکزی، که حدود ۸۵ درصد جمعیت جهان است، می‌پردازد. تأکید اصلی کتاب بر آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین است. به جای تمرکز بر مدل‌های انتزاعی رشد، بر مسائل جهان واقعی کشورهای در حال توسعه تمرکز شده است. کتاب ترجمه‌شده از

ششمین ویرایش کتاب توسعه اقتصادی است که انتشارات دانشگاه کمبریج در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده است. خلاصه ده فصل از ویراست چهارم کتاب (۲۰۰۵) را نیز محمدرضا منجذب ترجمه کرده و در نشر آسیم در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است (نافزیگر ۱۳۸۹).

۳. محتوای اثر و تحلیل آن

محتوای اثر متناسب با اهداف درس توسعه اقتصادی است و بسیاری از سرفصل‌های مصوب این درس را پوشش می‌دهد. بیان ساده و سلیس مطالب متناسب با سطح علمی دانشجویان درس توسعه اقتصادی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است. کتاب از تمرین، نمودار، و جدول برای تفهیم بهتر مطالب استفاده کرده است. کتاب مسئله‌مند است و محور آن تحلیل مسائل کشورهای در حال توسعه و پیشرفت مانند ایران است. از این رو، به نیازهای علمی و کاربردی کشور در زمینه شناسایی مسائل مربوط به پیشرفت کشور تاحد زیادی پاسخ می‌دهد. نظم منطقی و انسجام درونی در بخش‌ها و فصول مختلف کتاب وجود دارد. باتوجه به مبانی و پیش‌فرض‌های علمی و پژوهشی در متون توسعه اقتصادی، تحلیل‌ها، و تبیین‌های ارائه شده در اثر از استحکام نسبی برخوردار است.

کتاب در پنج بخش تنظیم شده است: در بخش اول، مباحث نظری ارائه شده است؛ در بخش دوم واقعیت‌هایی مانند فقر، سوء تغذیه، و نابرابری درآمد بررسی می‌شود؛ در بخش سوم، مؤلف بر عوامل رشد اقتصادی متمرکز می‌شود؛ بخش چهارم کتاب به ابعاد کلان و بین‌المللی توسعه اقتصادی پرداخته است؛ و در بخش پنجم، پنج استراتژی توسعه اقتصادی ارائه می‌شود. در نظر مؤلف، در حالی که اصلاحات اقتصادی و انتقال به اقتصاد بازار استراتژی کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق و چین بوده، سیاست‌های تعدیل و تثبیت اقتصادی راهبرد توسعه اقتصادی در سایر مناطق جهان بوده است. مؤلف کتاب توسعه اقتصادی پرسش‌های مرتبط با وضعیت کشورهای توسعه‌نیافته را در قالب سؤال در نوزده فصل مطرح کرده و به آن‌ها پاسخ داده است.

سؤال فصل اول این است که دوسوم مردم دنیا، که فقیرترین‌اند، چگونه و در کجا زندگی می‌کنند؟ پاسخ فصل اول این است که دوسوم مردم جهان، که از همه فقیرترند، تغذیه و مسکن مناسب ندارند، وضعیت بهداشتی آنان نامطلوب است، و اغلب آن‌ها از سواد نیز محروم‌اند. اکثریت قاطعی از فقیران در جنوب صحرای آفریقا و جنوب و شرق آسیا سکونت دارند.

در فصل دوم، این پرسش مطرح شده است که معنای رشد و توسعه اقتصادی چیست که کشورهای توسعه‌نیافته به دنبال دستیابی به آن هستند؟ پاسخ مؤلف این است که رشد اقتصادی افزایش تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه کشور است و توسعه اقتصادی رشد اقتصادی همراه با تغییر در توزیع تولید ملی و ساختار اقتصادی است. این تغییرات می‌تواند شامل بهبود وضعیت فقرا، افزایش تحصیلات و مهارت نیروی کار، و پیشرفت فنی قابل توجه باشد که از درون کشور نشئت می‌گیرد. وقتی مطالعه توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. کشورهای با درآمد بالا کشورهای توسعه‌یافته یا شمال نامیده شدند و کشورهای با درآمد متوسط و پایین کشورهای درحال توسعه، کم‌تر توسعه‌یافته، یا جنوب نامیده شدند. فصل سوم به این پرسش پاسخ می‌دهد که عملکرد رشد و توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه از اواسط قرن نوزدهم به بعد چگونه بوده است؟ پاسخ فصل سوم این است که رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه از جنگ جهانی دوم به بعد سریع‌تر از قبل از جنگ بوده است. با این حال، رشد بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته سریع‌تر از رشد کشورهای توسعه‌یافته نبوده است. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۲، تقریباً نیمی از جمعیت کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته در کشورهای زندگی می‌کردند که با نرخ سالانه سه درصد یا بیش‌تر رشد داشتند، اما یک‌چهارم این جمعیت سالانه بیش از یک‌درصد رشد اقتصادی نداشت. از سال ۱۹۸۰ به بعد، شرق آسیا سریع‌ترین و جنوب صحرای آفریقا کندترین رشد را در میان مناطق جهان داشته‌اند که به تنزل وضعیت بهداشت، تغذیه، و دیگر نیازهای اساسی برای اکثر مردم منجر شده است. در یک‌ونیم قرن گذشته، رشد پایدار اقتصادی عمدتاً در کشورهای غربی و ژاپن رخ داد. در این دوره، میزان رشد اقتصادی اکثر این کشورها سالانه بیش از ۱/۵ درصد بود. به این ترتیب، شکاف کشورهای غربی و ژاپن با کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته آفریقایی و آسیایی به شدت افزایش یافت. از نظر مؤلف کتاب، کشورهای درحال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی می‌توانند از تجربه ژاپن بیاموزند (Nafziger ۲۰۰۵: ۴۴۳-۴۶۴; Nafziger ۱۹۹۵: ۳-۱۱۸).

فصل چهارم درباره این پرسش است که ویژگی‌ها و نهادهای اصلی کشورهای درحال توسعه کدام‌اند؟ پاسخ فصل چهارم این است که اگرچه کشورهای درحال توسعه گوناگون‌اند، ویژگی‌های مشترکی دارند. کشورهای کم‌درآمد درصد بالایی تولید و نیروی کار کشاورزی، میزان پایین پس‌انداز و فناوری، رشد نسبتاً سریع جمعیت، سواد و مهارت نسبتاً اندک، و نهادهای توسعه‌نیافته‌ای دارند. در تعدادی از این کشورها، رانت‌جویی گسترده برای کسب منفعت از منابع دولتی وجود دارد. با این حال، کشورهای درحال توسعه،

در نیم قرن گذشته، عموماً درآمدهای واقعی را افزایش داده‌اند و از میزان فقر کاسته‌اند، امید به زندگی را بالا برده‌اند، و مرگ‌ومیر نوزادان را کاهش داده‌اند و سطح سواد و دسترسی به امکانات آموزشی را ارتقا بخشیده‌اند.

در فصل پنجم، مؤلف به معرفی و نقد نظریه‌های توسعه اقتصادی می‌پردازد. در جدول ۱ خلاصه نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی و نقد آن ارائه شده است.

جدول ۱. نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی و نقد آن

شماره	نظریه	نظریه پرداز	نقد
۱	کلاسیک: رکود اقتصادی و بدبینی به امکان رشد اقتصادی پایدار به دلیل بازدهی نزولی	ریکاردو	ریکاردو تأثیر پیشرفت فنی در جبران بازدهی نزولی را در نظر نگرفت.
۲	ماتریالیسم تاریخی	مارکس	رشد منافع کارگران با اصلاحات نظام سرمایه‌داری و متغی شدن انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه‌داری
۳	پنج مرحله رشد اقتصادی (جامعه سنتی، پیش شرطها برای خیز، خیز، حرکت به سوی بلوغ، مصرف انبوه)	روستو	شرایط برای خیز با داده‌های تجربی در تضاد است. رشد سرمایه‌گذاری در بریتانیا، آلمان، و ژاپن، به صورت مداوم است نه خیز ناگهانی. مشخصه‌های مراحل رشد روستو، اغلب، منحصر به آن مرحله نیست. رشد خودپایا بعد از خیز چگونه توضیح داده می‌شود.
۴	دور باطل فقر vicious circle theory	-	پس‌انداز دولتی، سود شرکت‌های دولتی، و موجودی صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی می‌تواند سرمایه‌گذاری شود. مخارج نظامی کشورهای توسعه‌نیافته می‌تواند برای توسعه استفاده شود، بازار محصولاتی که کم‌درآمدها مصرف می‌کنند گسترده است و صرفه‌جویی‌های دیگر مهم‌تر از صرفه‌جویی ناشی از مقیاس بازار است.
۵	رشد متوازن (سرمایه‌گذاری هم‌زمان در همه بخش‌های صنعتی عمده برای فشار بزرگ)	نورکس، روزنشتاین رودن	شواهد گسترده مربوط به رشد کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته بدون سرمایه‌گذاری بزرگ در بخش‌های صنعتی، فقدان منابع لازم برای سرمایه‌گذاری عظیم
۶	رشد نامتوازن (سرمایه‌گذاری در صنایعی که بیش‌ترین پیوند پسین و پیشین دارند)	هیرشمن	سرمایه‌گذاری در کشاورزی لحاظ نشده است که دارای پیوند با سایر بخش‌هاست.

۷	نظریه واشر توسعه: ناکامی در هماهنگی (انفجار شاتل فضایی چلنجر به دلیل عمل نکردن یک واشر حلقوی (O-ring theory)	مایکل کرمر	-
۸	نظریه رشد اقتصادی با انتقال نیروی کار کشاورزی به صنعت و افزایش اندازه بخش صنعت و انباشت سرمایه	آرتور لویس، فی، گوستاو رانیس	با مهاجرت کارگران کشاورزی، محصول بین تعداد کم‌تری تقسیم می‌شود و لذا دست‌مزد کشاورزی بالا می‌رود. افزایش نیروی کار صنعتی تقاضا و قیمت مواد غذایی را بالا می‌برد. تحقق رشد صنعتی با دست‌رسی به کارگر مهاجر روستایی محل تردید است. افزایش دست‌مزد صنعتی قیمت مواد غذایی را بالا می‌برد. در ژاپن، برخلاف نظر لویس، فی، و رانیس، قبل از آن‌که کل مازاد کارگر روستایی جذب شود، نرخ دست‌مزد سرمایه‌ای افزایش یافت.
۹	نظریه نئومارکسیستی	پل باران	در بررسی کش مکش منافع اقتصادی و سیاسی ناکام است.
۱۰	نظریه وابستگی (توسعه‌نیافتگی به دلیل وابستگی به کشورهای توسعه‌یافته است).	فورتادو، فرانک	قطع پیوند اقتصادی با اقتصادهای توسعه‌یافته می‌تواند مانع توسعه شود. کشورهای توسعه‌یافته نیز به اقتصادهای دیگر وابسته‌اند.
۱۱	نظریه نئوکلاسیک	نظریه پردازان اجماع واشنگتنی و تعدیل اقتصادی	کاهش مخارج دولت اقتصاد را دچار رکود می‌کند. تعدیل اقتصادی بدون شبکه ایمن، به اقشار آسیب‌پذیر لطمه می‌زند.
۱۲	رشد درون‌زا	پل رومر	چگونگی تأثیرگذاری مشوق‌ها و نهادها بر رشد اقتصادی بحث نشده است.

مأخذ: نافزیگر (۱۳۹۵: ۱۸۰-۲۲۲)

فصل ششم به این پرسش پرداخته است که آیا رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه فقر و نابرابری را کاهش داده است؟ پاسخ فصل ششم این است که فقر چندبعدی است و نه تنها به درآمد، بلکه به گرسنگی، بی‌سوادی، بهداشت ضعیف، و تأسیسات زیربنایی ناکافی مربوط است. در نیم قرن گذشته، نابرابری افزایش یافته و موجب کاهش سطح بهداشت و افزایش نابرابری آموزشی شده است. رشد فقرزدا در برخی کشورهای درحال توسعه موفق و در برخی دیگر ناموفق بوده است. برخی سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده برای رشد فقرزدا

در کشورهای درحال توسعه عبارت‌اند از: اعطای اعتبار به فقرا، آموزش ابتدایی فراگیر، برنامه‌های ایجاد شغل، طرح‌های توسعه روستایی، مالیات تصاعدی بر درآمد، یارانه غذا، برنامه‌های بهداشتی، و ایجاد شبکه‌های ایمنی برای حمایت از فقرا.

فصل هفتم به این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توان فقر روستایی در کشورهای کم‌درآمد را کاهش داد؟ پاسخ فصل هفتم این است که در حدود پانصد میلیون فقیر در مناطق روستایی کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند. فقر روستایی به علت میانگین پایین‌تر درآمدها در مناطق روستایی است. بخش عمده فقر روستایی در میان کارگران کشاورزی بی‌زمین وجود دارد. دوسوم جمعیت روستایی جنوب صحرای آفریقا و بیش از نیمی از جمعیت روستایی آمریکای لاتین در فقر به سر می‌برند. سیاست‌هایی که کشورهای درحال توسعه برای کاهش فقر روستایی به کار برده‌اند عبارت‌اند از: اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمین، توسعه تجهیزات سرمایه‌ای کاربر، تأسیس مؤسسه‌های اعتباری روستایی، تأسیس مراکز پژوهش زراعی برای افزایش محصول و توسعه فناوری برای کشاورزان کوچک، بهبود نظام آبیاری، به‌موقع در اختیار زارعان گذاشتن نهاده‌های کشاورزی توسط وزارت‌خانه‌های دولتی، ایجاد صنایع زراعی، و دیگر صنایع کوچک در مناطق روستایی؛ سرمایه‌گذاری در بازاریابی، حمل و نقل، و امکانات ذخیره‌سازی برای کالاهای کشاورزی و اصلاح قیمت‌های نسبی محصولات کشاورزی.

فصل هشتم به این پرسش می‌پردازد که رشد جمعیت چه تأثیری در توسعه اقتصادی دارد؟ پاسخ فصل هشتم این است که کشورهای درحال توسعه توانستند با پیشرفت در تولید مواد غذایی و آفت‌کش‌های جدید، پیشرفت حمل‌ونقل و ارتباطات، بهبود تغذیه، بهداشت شخصی بهتر، نوآوری‌های پزشکی، و واکسیناسیون از رشد جمعیت بهره‌مند شوند. این دیدگاه وجود دارد که رشد جمعیت موجب برانگیختن فناوری، تقسیم کار، و رشد اقتصادی می‌شود.

فصل نهم به این پرسش می‌پردازد که چرا در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته میزان بی‌کاری زیاد است؟ پاسخ فصل نهم این است که در کشورهای درحال توسعه، نیروی کار سریع‌تر از فرصت‌های شغلی رشد می‌کند. بنابراین، بی‌کاری افزایش می‌یابد. با توجه به این که فرصت اشتغال کشاورزی محدود است، بخش صنعت باید رشد کند تا نیروی کار اضافی را جذب کند. مهاجرت از روستا به شهر تقریباً به اندازه رشد جمعیت، در رشد سریع نیروی کار شهری در کشورهای درحال توسعه تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن، فناوری وارداتی از

کشورهای توسعه‌یافته، که وفور نسبی سرمایه دارند، برای کشورهای درحال توسعه با وفور کارگر، سبب افزایش بی‌کاری می‌شود.

فصل دهم به این پرسش می‌پردازد که در کشورهای درحال توسعه، چه عواملی در مهارت‌های کاری مؤثر است؟ پاسخ فصل دهم این است که در کشورهای درحال توسعه، یادگیری حین اشتغال و آموزش در نهادهای حرفه‌ای یا فنی باعث ایجاد مهارت کاری می‌شود.

فصل یازدهم به این پرسش می‌پردازد که برای تخصیص سرمایه بین طرح‌های بدیل، از چه ضوابطی باید سود جست؟ رایانه‌ها و فناوری اطلاعات در توسعه اقتصادی چه قدر اهمیت دارند؟ پاسخ فصل یازدهم این است که تحلیل منفعت، هزینه اجتماعی، آن طرح‌های سرمایه‌گذاری را برمی‌گزیند که منافع خالص اجتماعی تنزیل شده به‌ازای هر واحد سرمایه سرمایه‌گذاری شده را به حداکثر برساند. نرخ تنزیل باید آن قدر بالا تعیین شود که سرمایه‌گذاری را با پس‌اندازها و واردات سرمایه برابر سازد. فناوری اطلاعات و ارتباطات بعد از آن‌که در تولید ادغام شد، تأثیر چشم‌گیری در محصول ناخالص داخلی دارد و به سازمان کار شکل تازه‌ای می‌بخشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌خصوص تلفن هم‌راه، بر بهبود زندگی افراد فقیر در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته تأثیر گذاشته است.

فصل دوازدهم به این پرسش می‌پردازد که چه عواملی در کام‌یابی کارآفرینان در کشورهای درحال توسعه مؤثرند؟ پاسخ فصل دوازدهم این است که در جوامعی که کودکان‌شان به‌گونه‌ای تربیت و تشویق می‌شوند که دست به ابتکار بزنند و متکی به خود باشند، کارآفرینان بیش‌تری به‌وجود می‌آیند. تحصیلات با ایجاد مهارت‌های لازم می‌تواند عرضه کارآفرین را افزایش دهد. جامعه نیازمند موفقیت کارآفرینانی پرتوان به‌وجود می‌آورد که رشد سریع اقتصادی را سبب می‌شوند.

فصل سیزدهم به این پرسش می‌پردازد که آیا رشد اقتصادی پایدار است؟ پاسخ فصل سیزدهم این است که مقصود از توسعه پایدار حفظ بهره‌وری دارایی‌های طبیعی، تولیدی، و انسانی از نسلی به نسل دیگر است. اما برای این‌که رشد پایدار باشد ضابطه‌های سرمایه‌گذاری مرسوم برای در نظر گرفتن نیازهای مصرفی نسل‌های آینده کافی نیست. مصرف بیش از حد منابعی که آزادانه در دست‌رس‌اند، تولید کم‌تر از حد کالاهای عمومی، جبران‌ناپذیری پدیده‌های نادر طبیعت، حقوق مبهم مالک و مصرف‌کننده نسبت به دارایی، و هزینه معاملات زیاد نقص‌های بازارند که در تخریب زیست‌محیطی و رشد پایدار مؤثرند.

در صورت تداوم انتشار دی اکسید کربن، زمین گرم‌تر خواهد شد و کشورهای در حال توسعه کشورهای عمده متضرر از گرم شدن زمین هستند. سیاست‌های مربوط به کاهش یا مبارزه با گرم شدن زمین برای رشد پایدار لازم است.

فصل چهاردهم به این پرسش می‌پردازد که کشورها برای رسیدن به توسعه همراه با ثبات قیمت‌ها، باید چه سیاست‌های پولی و مالی‌ای را اتخاذ کنند؟ پاسخ فصل چهاردهم این است که بانک‌های مرکزی در کشورهای در حال توسعه عموماً کم‌تر از کشورهای توسعه‌یافته بر مخارج و محصول اثر می‌گذارند. مالیات بر صادرات، واردات، و مالیات‌های غیرمستقیم منابع عمده درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه است. تعدادی از کشورهای در حال توسعه، مالیات بر ارزش افزوده اخذ می‌کنند. کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند از سیاست مالی برای تثبیت درآمد و قیمت‌ها، آن‌چنان‌که کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند، به‌نحو مؤثر استفاده کنند. دولت‌های کشورهای در حال توسعه کنترل کم‌تری بر مبالغ مالیات‌ها و مجال کم‌تری برای سرعت‌دادن یا به تأخیر انداختن مخارج دارند. درصد نسبتاً کوچکی از مخارج دولتی در کشورهای در حال توسعه، صرف بهداشت، تأمین اجتماعی و رفاه، و درصد نسبتاً بالایی صرف تأسیسات زیربنایی می‌شود.

فصل پانزدهم به این پرسش می‌پردازد که کشورهای در حال توسعه چگونه می‌توانند بر صادرات بیفزایند و از واردات بکاهند؟ پاسخ فصل پانزدهم آن است که کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به ترکیب زیرکانه سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت چندملیتی، اعطای امتیاز، و انتقال فناوری نیاز دارند. سرمایه از کشورهای غنی به کشورهای فقیر جریان نمی‌یابد، زیرا بازار سرمایه کشورهای در حال توسعه ناقص و اغلب در معرض مخاطرات است.

فصل شانزدهم به این پرسش می‌پردازد که چه سیاست‌هایی می‌توانند از بدهی بین‌المللی و بحران مالی در کشورهای در حال توسعه بکاهند؟ پاسخ فصل شانزدهم این است که بحران مالی و بدهی ناشی از شوک و بی‌ثباتی جهانی، کاهش کمک رسمی و وام تجاری، ناکارآمدی و مدیریت ضعیف اقتصادی، پول داخلی بیش از حد ارزش‌گذاری شده، و فرار سرمایه است. سیاست‌هایی مانند نرخ تعادلی ارز، اصلاحات مالی، و افزایش کارایی مؤسسات اقتصادی دولتی می‌تواند وقوع بحران مالی را کاهش دهد.

فصل هفدهم به این پرسش می‌پردازد که کشورهای در حال توسعه باید از چه راه‌بردهای تجاری‌ای استفاده کنند؟ پاسخ فصل هفدهم این است که رابطه مبادله صادرات محصولات اولیه کشورهای در حال توسعه به شدت کاهش یافته است. برای گسترش محصول و کاهش بی‌کاری، توسعه صادرات عموماً مؤثرتر از جای‌گزینی واردات است. کشورهای

در حال توسعه می‌توانند با کاهش ارزش پول خود واردات را کاهش دهند، جای‌گزینی واردات را تشویق کنند، و صادرات را توسعه دهند. ادغام اقتصادی منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه نیز باعث رشد اقتصادی آن‌ها می‌شود.

فصل هجدهم به این پرسش می‌پردازد که آزادسازی، اصلاحات اقتصادی، و گذار در اروپای شرقی، شوروی سابق، و چین چگونه پیش رفت؟ پاسخ فصل هجدهم این است که کشورهای در حال توسعه نباید مسیر روسیه و چین به سوی اصلاحات را دنبال کنند، اگرچه می‌توانند از روسیه و چین درس‌ها بیاموزند. هر کشور روبه توسعه‌ای باید راه خود را به سوی توسعه بیابد.

فصل نوزدهم به این پرسش می‌پردازد که آیا برداشتن کنترل بر قیمت‌ها و نرخ ارز، آزادسازی مالی، مقررات‌زدایی، و خصوصی‌سازی موجب بهبود عملکرد کشور در حال توسعه می‌شود؟ پاسخ فصل نوزدهم این است که در عمل، کشورهای در حال توسعه و در حال گذار نیازمند تعدیل و اصلاح هستند. صندوق بین‌المللی پول فقط بر تقاضا تمرکز دارد و ظرفیت مولد و تغییر ساختار درازمدت را نادیده می‌گیرد. نتایج برنامه‌های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از طریق رفع کنترل قیمت‌ها و آزادسازی و خصوصی‌سازی در موارد متعدد ناموفق بوده و مورد نقد است.

۴. مقایسه با محتوای توسعه اقتصادی تودارو

هر دو اثر با عنوان توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۲ منتشر شدند. اثر نافزیگر ویرایش پنجم و اثر تودارو ویراست دوازدهم است. توسعه تودارو در سه بخش ارائه شده است، ولی توسعه نافزیگر در پنج بخش ارائه گردیده است. بخش اول هر دو کتاب به معرفی اصول و مفاهیم توسعه اقتصادی اختصاص دارد. مزیت توسعه تودارو این است که در دو فصل سوم و چهارم به ارائه نظریه‌ها و مدل‌های توسعه پرداخته است و نظریه‌های جدیدی مانند شکست هماهنگی، خودکشی، و آسیب‌شناسی رشد را مطرح کرده است. علاوه بر آن، در فصل اول به نقش مهم ارزش‌ها در اقتصاد توسعه و نیاز به فراتر رفتن از اقتصاد در تحلیل توسعه پرداخته است.

دو بخش باقیمانده توسعه تودارو به طرح مسائل و سیاست‌های توسعه اقتصادی اختصاص دارد. بخش دوم به مسائل و سیاست‌های داخلی و بخش سوم به مسائل و سیاست‌های بین‌المللی و کلان توسعه اقتصادی پرداخته است. در حالی که توسعه نافزیگر

مسائل و سیاست‌های داخلی توسعه را در دو بخش دوم و سوم مطرح کرده است. مزیت توسعه نافیگر آن است که فصل دوازده را به نقش کارآفرینی و نوآوری در توسعه اقتصادی اختصاص داده است، در حالی که توسعه تودارو به این موضوع پرداخته است. مزیت توسعه تودارو آن است که در فصل هفت، نظریه مهاجرت شهر - روستای خود را به خوبی تبیین کرده است. مزیت دیگر توسعه تودارو آن است که در فصل یازده ابعاد مختلف طرح‌ریزی توسعه اقتصادی را بحث کرده است، در حالی که توسعه نافیگر فاقد بحثی درباره طرح‌ریزی توسعه اقتصادی است. یک مزیت توسعه نافیگر آن است که بخش سوم را با عنوان عوامل رشد مطرح کرده و شش موضوع در شش فصل بررسی شده است. بخش سوم توسعه تودارو به بررسی مسائل و سیاست‌های بین‌المللی و کلان توسعه اختصاص دارد که تقریباً همان مباحث در بخش چهارم توسعه نافیگر مطرح شده است. یک مزیت توسعه تودارو در این بخش این است که به نقش بانک‌داری توسعه‌ای پرداخته است، در حالی که توسعه نافیگر بدان پرداخته است. سرانجام یک مزیت توسعه نافیگر آن است که بخش پنجم کتاب خود را به بحث درباره استراتژی‌های توسعه اختصاص داده است، در حالی که توسعه تودارو فاقد بحثی در زمینه استراتژی توسعه اقتصادی است. جدول ۲ به مقایسه محتوای این دو متن درسی توسعه اقتصادی می‌پردازد.

جدول ۲. مقایسه محتوای کتاب توسعه اقتصادی/توسعه نافیگر با توسعه اقتصادی تودارو

شماره	توسعه اقتصادی نافیگر (۲۰۱۲)	توسعه اقتصادی تودارو (۲۰۱۲)
۱	بخش اول: اصول و مفاهیم توسعه؛ ۱. چگونه دوسوم دیگر زندگی می‌کنند. ۲. توسعه اقتصادی چیست؟ ۳. توسعه اقتصادی در چشم‌انداز تاریخی ۴. ویژگی‌ها و نهادهای کشورهای درحال توسعه ۵. نظریه‌های توسعه اقتصادی	بخش اول: اصول و مفاهیم توسعه؛ ۱. معرفی توسعه اقتصادی ۲. توسعه اقتصادی تطبیقی، شاخص‌های توسعه، ویژگی‌های کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته ۳. نظریه‌های کلاسیک رشد و توسعه اقتصادی ۴. مدل‌های معاصر توسعه و توسعه‌یافتگی
۲	بخش دوم: کاهش فقر و توزیع درآمد؛ ۶. فقر، سوء تغذیه، و نابرابری درآمد ۷. فقر روستایی و تحول کشاورزی	بخش دوم: مسائل و سیاست‌های داخلی ۵. فقر، نابرابری، و توسعه ۶. رشد جمعیت و توسعه اقتصادی: علل، پی‌آمدها، و مناقشه‌ها ۷. شهرنشینی و مهاجرت روستا - شهر: نظریه و سیاست ۸. سرمایه‌انسانی: آموزش و سلامت در توسعه اقتصادی ۹. تحول کشاورزی و توسعه روستایی ۱۰. محیط زیست و توسعه ۱۱. سیاست‌گذاری توسعه و نقش بازار، دولت، و جامعه مدنی

۳	بخش سوم: عوامل رشد: ۸. جمعیت و توسعه ۹. اشتغال، مهاجرت، و شهرنشینی ۱۰. آموزش، سلامت، و سرمایه انسانی ۱۱. تشکیل سرمایه، انتخاب سرمایه‌گذاری، فناوری اطلاعات، و پیشرفت فنی ۱۲. کارآفرینی، سازمان، و نوآوری ۱۳. آیا رشد اقتصادی، پایدار است؟ منابع طبیعی و محیط زیست	بخش سوم: مسائل و سیاست‌ها: کلان و بین‌الملل ۱۲. نظریه تجارت بین‌الملل و استراتژی توسعه ۱۳. موازنه پرداخت‌ها، بدهی، بحران‌های مالی، و سیاست‌های تثبیت ۱۴. تأمین خارجی، سرمایه‌گذاری و کمک: مناقشه‌ها و فرصت‌ها ۱۵. تأمین مالی و سیاست مالی برای توسعه
۴	بخش چهارم: اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل توسعه: ۱۴. سیاست‌های پولی، مالی و درآمدی و تورم ۱۵. موازنه پرداخت‌ها، کمک، و سرمایه‌گذاری خارجی ۱۶. بدهی خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی ۱۷. تجارت بین‌الملل	-
۵	بخش پنجم: استراتژی‌های توسعه: ۱۸. گذار به آزادسازی و اصلاحات اقتصادی: اروپای شرقی، شوروی سابق و چین ۱۹. تثبیت، تعدیل، و اصلاحات	

۵. نقد روزآمدی محتوای اثر

باتوجه به تاریخ انتشار کتاب توسعه اقتصادی، برخی مباحث جدید در اقتصاد توسعه در این کتاب مطرح نشده است. آلتمن (۲۰۱۱) موارد زیر را مباحث جدید در اقتصاد توسعه می‌داند. گزارش کمیسیون رشد و توسعه (۲۰۰۸)، آسیب‌شناسی رشد اقتصاد، اقتصاد توسعه رفتاری، روایت‌های تحلیلی در توسعه، و تجربیات کنترل‌شده آزمایشگاهی در توسعه (Altmann ۲۰۱۱: ۱۷۷-۱۹۴). در این جا به معرفی این موارد می‌پردازیم.

۱.۵ گزارش کمیسیون رشد و توسعه

این کمیسیون به دنبال پیدا کردن پاسخ به این پرسش است که چگونه کشورهای در حال توسعه می‌توانند به رشد پایدار و فراگیر بالا برسند. کمیسیون، علل، پی‌آمدها، و پویایی‌های درونی رشد اقتصادی در سیزده اقتصاد در حال توسعه را بررسی کرده است که از سال ۱۹۵۰ م تاکنون، نرخ‌های رشد هفت درصد و بالاتر در سال را برای ۲۵ سال یا بیشتر به صورت مستمر تجربه کرده‌اند. در آن سرعت گسترش، اندازه اقتصاد تقریباً هر دهه دوبرابر می‌شود. سیزده اقتصاد که رشد بالا و مستمر را امکان‌پذیر ساختند عبارت‌اند از: بوتسوانا، برزیل، چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، ژاپن، کره، مالزی، مالتا، عمان، سنگاپور، تایوان،

و تایلند. باید توجه داشت که اقتصاد بوتسوانا، برزیل، اندونزی، مالزی، عمان، و تایلند دارای منابع غنی هستند. بنابراین، تجربه این اقتصادها شواهدی برای امکان‌پذیری رشد بالا در اقتصادهای مبتنی بر منابع است.

سؤال اصلی که کمیسیون درمورد تجربه اقتصادهای موفق مطرح کرده این است که این اقتصادها چه اقداماتی انجام داده‌اند که به رشد بالا و مستمر منجر شده است؟ پاسخ اصلی که کمیسیون رشد و توسعه بدان دست یافت آن بود که همه این اقتصادها دارای استراتژی منسجم رشد اقتصادی بودند. پنج ویژگی مشترک سیزده اقتصاد با رشد مستمر بالای هفت درصد عبارت‌اند از:

۱. بهره‌برداری کامل از ظرفیت (فناوری، دانش، رموز کار، و تقاضای اقتصاد جهانی؛

۲. حفظ ثبات اقتصاد کلان؛

۳. داشتن میزان بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛

۴. به‌کارگیری مکانیسم بازار به‌عنوان تخصیص‌دهنده اصلی منابع؛

۵. داشتن دولت متعهد به رشد، معتبر نزد عموم، و توانمند.

استراتژی رشد سیزده اقتصاد با رشد بالا و مستمر، شامل سیاست‌های اقتصادی زیر بوده است: ۱. دولت کارآمد، ۲. سطح بالای سرمایه‌گذاری، ۳. انتقال دانش فن، ۴. رقابت و تحول ساختاری، ۵. بازار کار، ۶. توسعه صادرات و سیاست صنعتی، ۷. مدیریت صحیح نرخ ارز، ۸. ورود سرمایه و تدریج در بازشدن بازارهای مالی، ۹. ثبات اقتصاد کلان، ۱۰. پشتیبانی پس‌انداز از سرمایه‌گذاری، ۱۱. توسعه بخش مالی، ۱۲. سرمایه‌گذاری روستایی و شهرنشینی، ۱۳. برابری فرصت‌ها، ۱۴. توسعه منطقه‌ای، و ۱۵. مدیریت انرژی و محیط زیست (میرجلیلی ۱۳۹۵: ۱-۱۷).

۲.۵ آسیب‌شناسی رشد اقتصادی (growth diagnostics)

شناسایی «محدودیت‌های دست‌وپاگیر» (binding constraints) رشد چهارچوبی برای آسیب‌شناسی مهم‌ترین موانع رشد اقتصادی خاص هر کشور است (Hausmann et al. ۲۰۰۸). چهارچوب آسیب‌شناسی رشد توسط محققان دانشگاه هاروارد (هاسمن، رودریک، ولاسکو، کلینگر، و واگنر) در ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، و ۲۰۱۳ پیش‌نهاد شد. رویکرد آسیب‌شناسی رشد مبتنی بر این ایده است که عوامل متعددی وجود دارد که باعث می‌شود

یک اقتصاد رشد نکند. اصولاً درمورد یک اقتصاد دچار کم‌رشدی، قبل از تجویز کردن و نسخه‌پیچیدن، ابتدا باید آسیب‌شناسی کرد (Hausmann et al. ۲۰۰۸).

روش‌شناسی آسیب‌شناسی رشد، براساس مسیر درخت تصمیم، به شناسایی مهم‌ترین تنگناهای رشد اقتصادی یک کشور می‌پردازد و الویت‌های استراتژی رشد یک کشور را شناسایی می‌کند که همانا هدف‌گرفتن رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر است، به‌جای آن‌که به‌دنبال رفع فهرست طولانی تنگناها و محدودیت‌های رشد باشیم که عملاً به موانع سیاسی-اقتصادی و ساختاری برخورد می‌کند و متوقف می‌گردد. علاوه‌بر آن، محدودیت منابع مالی و انسانی یک کشور حکم می‌کند که منابع محدود خود را صرف مواردی کنند که بیش‌ترین تأثیر بر رشد داشته باشد. رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر و تنگناهای رشد چنین نقش چشم‌گیری بر رشد دارد (Rodrik ۲۰۱۰: ۳۳-۴۴).

آسیب‌شناسی رشد رویکردی در سیاست‌گذاری ارائه می‌کند که انعطاف‌پذیری بیش‌تری نسبت به «رویکرد بهترین رویه» (best-practice approach) اتخاذشده نسل دوم اقتصاددانان توسعه و رویکرد تجویز سیاستی براساس مقایسه بین کشوری کیفیت و عملکرد نهادهای یک کشور اتخاذشده نسل سوم دارد. رویکرد آسیب‌شناسی رشد می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا اصلاحاتشان را در زمینه‌هایی متمرکز کنند که در آن محدودیت‌های دست‌وپاگیر برای رشد اقتصادی وجود دارد. به‌عبارت دیگر، بر روی تنها چند زمینه تمرکز شود که بیش‌ترین تأثیر را در بازکردن قفل پتانسیل رشد یک کشور دارد.

آسیب‌شناسی رشد از طریق روش درخت تصمیم به شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر مربوط به رشد یک کشور کمک می‌کند. نمودار ۱ طبقه‌بندی علل احتمالی سطوح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشور در حال توسعه را نشان می‌دهد که با پیروی از درخت تصمیم، مشکل احتمالی می‌تواند پی‌درپی دنبال شود تا زمانی که محدودیت‌های اصلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شناسایی شود. فرایند درخت تصمیم‌گیری شروع می‌شود با پرسیدن این‌که چه چیزی سطح سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را پایین نگه می‌دارد (بازده ناکافی به سرمایه‌گذاری یا دسترسی ناکافی به تأمین مالی). اگر به‌دلیل بازدهی پایین است، سؤال این است که آیا به‌دلیل سرمایه‌گذاری ناکافی در عوامل مکمل تولید (مانند سرمایه انسانی و زیرساخت) است یا به‌دلیل دسترسی ضعیف به فناوری‌های واردشده است. اگر علت آن مشکل هزینه‌های بالای تأمین مالی باشد، محدودیت دست‌وپاگیر برای سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید در بازارهای مالی داخلی یا خارجی یافت شود (ibid.).

سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از دو علت است: بازدهی پایین فعالیت اقتصادی یا هزینه بالای تأمین مالی.

الف) در صورتی که سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از هزینه بالای تأمین مالی باشد، آن نیز به نوبه خود ناشی از تأمین مالی داخلی بد یا تأمین مالی خارجی بد است. تأمین مالی داخلی بد نیز ناشی از پس‌انداز داخلی ضعیف یا واسطه‌گری مالی ضعیف است.

ب) در صورتی که سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از بازدهی پایین فعالیت اقتصادی باشد، بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از بازدهی اجتماعی پایین یا قابلیت تملک پایین است. بازدهی اجتماعی پایین نیز ناشی از جغرافیای ضعیف، سرمایه انسانی پایین، یا زیرساخت بد است.

ج) در صورتی که بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از قابلیت تملک پایین باشد، قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی دولت یا نارسایی بازار است. اگر قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی دولت باشد، آن هم به نوبه خود ناشی از ریسک‌های خرد یا ریسک‌های کلان است. اما اگر قابلیت تملک پایین ناشی از نارسایی بازار باشد، به خاطر اثرات جانبی ناشی از اطلاعات (خودکشی) یا به خاطر اثرات جانبی هماهنگی است.

آسیب‌شناسی رشد به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی را طراحی کنند که این سیاست‌ها، با در نظر گرفتن عوامل مرتبط هم‌چون شرایط اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی کشور، به رفع مهم‌ترین محدودیت‌های دست‌وپاگیر می‌پردازد. آسیب‌شناسی رشد ابزار مفیدی برای تهیه استراتژی رشد در کشورهای در حال توسعه است. این آسیب‌شناسی مبتنی بر اقتضائات و شرایط خاص کشور، به طراحی برنامه توسعه کمک می‌کند و اولویت‌های اصلاحات اقتصادی را براساس تنگناهای رشد کشور مشخص می‌کند. مهم‌ترین مزایای آسیب‌شناسی رشد عبارت‌اند از:

الف) این روش، به سیاست‌گذاران رشد می‌گوید که همه محدودیت‌های رشد یک‌سان نیستند و نباید در انبوهی از محدودیت‌های رشد مستأصل شد که کدام یک برای اصلاحات اولویت دارد. کافی است محدودیت‌هایی را برگزید که دست‌وپاگیرند و از طریق درخت تصمیم آن‌ها را شناسایی کرد.

ب) به سیاست‌گذاران رشد کمک می‌کند تا راه کارهای لازم برای رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر را در سیاست‌های خود در نظر بگیرند، به جای این که صرفاً به انباشت سرمایه،

افزایش مهارت‌های انسانی، و ارتقای بهره‌وری پردازند و انتظار داشته باشند که رشد اقتصادی محقق شود.

ج) آسیب‌شناسی رشد برای این پرسش مکرر کشورهای در حال توسعه که «چرا به‌رغم انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر به‌دست نمی‌آید؟» پاسخ عمل‌گرایانه‌ای می‌دهد. به‌جای این‌که مانند نظریه‌های مرسوم رشد بگوید که سرمایه فیزیکی و انسانی بیش‌تری انباشت کنید، می‌گوید که «گیرهای رشد» و «تنگناهای رشد» را شناسایی و رفع کنید، آن‌گاه پتانسیل رشد اقتصادی آزاد می‌شود.

د) آسیب‌شناسی رشد براساس الگوی رشد درون‌زاست و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی را محرک اصلی افزایش رشد و سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی را چالش اصلی رشد می‌داند. به همین دلیل سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را در بالای درخت تصمیم قرار می‌دهد. یعنی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را موتور رشد در کشورهای در حال توسعه می‌داند که با افزایش بازدهی و ایجاد سود برای آن، به‌وجود می‌آید.

و) آسیب‌شناسی رشد اقتضائات رشد هر کشور را در نظر می‌گیرد، زیرا از بررسی کشوری شروع می‌کند و به‌دنبال یافتن تنگناهای رشد هر کشور است. ازاین‌رو، آسیب‌شناسی و تجویز خاص برای رشد هر کشور انجام می‌دهد. درحالی‌که رویکرد نظریه‌های رشد، بدون شناسایی تنگناها، فرض می‌کند هیچ تنگنایی برای رشد اقتصادی وجود ندارد و روابط کلی و قیاسی برای به‌کارگیری عوامل مؤثر بر رشد ارائه می‌کند و آن را قابل کاربرد در تمام کشورها می‌داند (میرجلیلی ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶).



نمودار ۱. روش آسیب‌شناسی رشد

۳.۵ اقتصاد توسعه رفتاری

اقتصاد توسعه رفتاری کاربرد اقتصاد رفتاری در توسعه اقتصادی است. اقتصاد رفتاری برای اندازه‌گیری و سنجش از اقتصادسنجی استفاده نمی‌کند، بلکه از اقتصاد آزمایشگاهی استفاده می‌کند. اقتصاد رفتاری بررسی می‌کند که چرا فقرا فقیر مانده‌اند. تا قبل از مباحث اقتصاد رفتاری، اقتصاددانان توسعه فقر را از دیدگاه مالی، درآمدی، و محرومیت مادی بررسی می‌کردند، اما اقتصاد رفتاری درک اقتصاددانان را به فراتر از ابعاد مالی و درآمدی برد. اقتصاد رفتاری با ارائه بصیرت جدید درمورد توسعه باعث می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوتی برای حل مسائل توسعه ارائه شود.^۱ بدین منظور، اقتصاد رفتاری در ابتدا آسیب‌شناسی رفتار فقرا و مسائل روان‌شناختی را که به فقر منجر شده است بررسی روان‌شناسی می‌کند و سپس برای حل آن رفتارها، راه‌حل ارائه می‌دهد. اقتصاد توسعه رفتاری سیاست‌های متفاوتی برای توسعه پیش‌نهاد می‌کند که با سیاست‌های اقتصاددانان مرسوم تفاوت دارد. اقتصاددانان نمی‌دانند چرا برنامه‌های طراحی شده آنان به اجرا در نمی‌آید؟ یا چرا به‌طور ناقص اجرا می‌شود. اما اقتصاد رفتاری توضیح می‌دهد که چرا چنین اتفاقی می‌افتد و کمک می‌کند که چگونه برنامه را طراحی کنیم تا اجرا شود.

اقتصاد توسعه رفتاری در سه گام، بر طراحی برنامه‌های توسعه اثر می‌گذارد: اول، آسیب‌شناسی مسئله توسعه را تغییر می‌دهد؛ دوم، طراحی راه‌حل برای مسئله را تغییر می‌دهد؛ و سوم، قلمرو مسئله توسعه را تغییر می‌دهد. مثال برای مورد اول: هنگامی که مشاهده می‌کنیم والدین فرزندان خود را برای واکسیناسیون نمی‌برند، اقتصاد متعارف می‌گوید که دلیلش این است که والدین ارزش واکسیناسیون را نمی‌دانند. اما اقتصاد توسعه رفتاری می‌گوید: خانوارها می‌خواهند کودک خود را واکسینه کنند و منافع آن را می‌دانند، اما نمی‌توانند آن را عملی سازند. مثال برای مورد دوم: تأثیر یادآوری در اثربخشی برنامه، مانند یادآوری مصرف قرص مالاریا در موعد مقرر است. مثال برای مورد سوم: در اقتصاد متعارف، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی کفایت می‌کند. اما اقتصاد رفتاری می‌گوید این کافی نیست و حتماً باید اطمینان حاصل کنید که افراد از خدمات استفاده می‌کنند.

از دیدگاه اقتصاد رفتاری برای اجرای سیاست‌های اقتصادی، چهار محدودیت ذهنی و روانی انسان‌ها باید در نظر گرفته شود: ۱. کمبود خودکنترلی، ۲. کمبود توجه، ۳. کمبود ظرفیت شناختی، و ۴. کمبود درک و فهم.

اولین محدودیت بشر کمبود خودکنترلی است. مثال: استفاده از کود شیمیایی؛ یکی از راه‌های بالابردن محصولات مصرف کود است. در زیر صحرای آفریقا بسیاری از کشاورزان یا از کود استفاده نمی‌کنند یا مقدار بسیار اندکی استفاده می‌کنند و به همین دلیل تولید محصولات کشاورزی در آفریقا بسیار پایین است. سؤال این است که چرا مصرف کود در زیر صحرای آفریقا بسیار پایین است؟ توضیح اقتصاد متعارف این است که به‌خاطر این‌که کود گران است و کشاورزان نمی‌دانند مصرف کود محصول آنان را افزایش می‌دهد. راه‌حل اقتصاد متعارف عرضه کود، اعطای یارانه به کود، و ترویج کشاورزی است. هر سه در آفریقا انجام شد، اما مصرف کود چندان افزایش پیدا نکرد. اقتصاد توسعه رفتاری این مسئله را بررسی کرد. حدود ۹۷ درصد کشاورزان کنیا که دوفلو در سال ۲۰۱۲ از آن‌ها سؤال کرد، اظهار داشتند که می‌خواسته‌اند از کود استفاده کنند، اما فقط ۳۷٪ آن‌ها توانسته‌اند از کود استفاده کنند، زیرا پول برای خرید کود نداشته‌اند. ازدیدگاه اقتصاد توسعه رفتاری، این کشاورزان خودکنترلی نداشته‌اند و زمان میان برداشت محصول و خرید کود پولشان را خرج می‌کرده‌اند و این نداشتن خودکنترلی علت مسئله بوده است. براساس پیش‌نهاد دوفلو، کود را در محل (مزرعه) تحویل دادند. در نتیجه مصرف کود ۷۰٪ افزایش یافت و به این ترتیب مسئله خودکنترلی، که در کشاورزان ضعیف بود، برطرف شد. راه‌حل دیگر اقتصاد توسعه رفتاری این بود که یک حساب بانکی برای کشاورزان باز کردند و در حد خرید کود کشاورزان نمی‌توانستند از حساب خود تا زمان لازم برداشت کنند. در نتیجه این باعث شد هم مسئله عدم خودکنترلی حل شود و هم مسئله نداشتن پول. پس از مصرف کود، درآمد کشاورزان افزایش پیدا کرد. هر کشاورزی تحویل در مزرعه را انتخاب می‌کرد، از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می‌شد (Datta ۲۰۱۴: ۱۴). یکی از مشکلات اقتصاد متعارف این است که فرض می‌کند افراد خودکنترلی نامحدود دارند.

دومین محدودیت بشر کم‌توجهی است. مثال، اقدامات مربوط به رعایت بهداشت در آمریکا سالانه صدها هزار نفر به‌خاطر دیابت دچار قطع عضو می‌شوند. دلیل آن عدم مصرف به‌موقع داروی دیابت بود. بنابراین، اقتصاد رفتاری کمبود توجه را عامل عدم مصرف داروی دیابت تشخیص داد و با استفاده از یادآوری، میزان قطع عضو را کاهش داد. ایدز، سل، یا مالاریا این‌ها در صورتی قابل‌پیش‌گیری و درمان است که یادآوری شوند و قرص به‌موقع مصرف شود. راه‌حل اقتصاد رفتاری این است که با یادآوری این مشکل‌ها حل می‌شود. در آفریقای جنوبی نیز برای افراد پیام یادآوری مصرف قرص فرستادند که مؤثر بود (ibid.).

سومین محدودیت بشر کمبود ظرفیت شناختی است. سؤال مهم برای تأمین اجتماعی در آمریکا این بود که با این که برنامه پس انداز برای بازنشستگی برای همه شایع است، چرا کارکنان در این برنامه‌ها مشارکت نمی‌کنند؟ اقتصاد رفتاری کشف کرد که به جای این که از کارکنان بخواهیم کسانی که می‌خواهند اعلام کنند، از آن‌ها بخواهیم کسانی که نمی‌خواهند اعلام کنند. در مدت کوتاهی مشارکت چهل درصد افزایش یافت و موجب افزایش میزان ثبت نام در برنامه بازنشستگی در آمریکا شد. از آن پس شرکت‌ها به طور پیش فرض افراد را عضو برنامه بازنشستگی می‌دانند، مگر افرادی که اعلام کنند که نمی‌خواهند. از دیدگاه اقتصاد رفتاری برنامه‌های توسعه زمانی عملی می‌شود که طبق روان‌شناسی افراد طراحی شود (ibid.: ۱۱).

چهارمین محدودیت بشر کمبود درک و فهم است. مثال: برنج کاران هندی از کود نیتروژن استفاده می‌کنند، زیرا معتقدند هر قدر برگ سبز بیش تر باشد، آن برنج بهتر است و در نتیجه کود نیتروژن بیش تری به زمین می‌داند، این کود برای اسفناج خوب است، ولی برای برنج سمی است. دلیل آن درک و فهم کشاورزان در استفاده از کود نیتروژن است. راه حل اقتصاد رفتاری در افزایش شناخت کشاورزان در استفاده از کود نیتروژن است (ibid.: ۲۱).

در آسیب شناسی توسعه، هر سؤال از دیدگاه روان‌شناسی مطرح می‌شود تا مسئله اقتصادی‌ای را آسیب شناسی کند، در حالی که در اقتصاد متعارف سؤال اقتصادی است و برای حل یک مسئله اقتصادی است.

۴.۵ روش روایت‌های تحلیلی (analytic narratives)

روش روایت‌های تحلیلی از تکنیک روایت برای بررسی تفصیلی فرایندهای اقتصادی نهادهای خاص یا مسائل توسعه، که در بستر زمان و مکان خاص رخ می‌دهد، استفاده می‌کند. روایات تحلیلی از استدلال برای ارائه یک مدل یا پدیده پیچیده، و همچنین برای نظریه پردازی در مورد روابط میان عوامل، نهادها، و ساختارها، که اجزای تشکیل دهنده آن پدیده است، استفاده می‌شود. مراحل تهیه روایت تحلیلی در توسعه به شرح زیر است:

روایت تحلیلی با انتخاب یک مسئله در توسعه مدلی برای توضیح منطقی آن ایجاد می‌کند و با کمک آن، نقاط تصمیم کلیدی و امکانات حل آن را روشن می‌کند و در نهایت به ارزیابی مدل به روش ایستای مقایسه‌ای و پی‌آمدهای آزمون پذیر مدلی که ایجاد می‌شود، می‌پردازد (Levi ۲۰۰۴: ۲۰۸).

روایات به‌منزله یک شکل از استدلال مدت طولانی است که در تحقیقات علمی به‌کار گرفته شده است. روایات در علوم تاریخی به‌خصوص رایج است. هرچند استفاده از روایات تحلیلی به‌مثابه یک روش تحقیق در اقتصاد توسعه کاملاً جدید است. مطالعات موردی کشوری ابزار تحلیلی برای نسل اول اقتصاددانان توسعه بوده است. اما آن‌ها به‌دلیل فقدان داده‌های آماری قابل اتکا از کشورهای درحال توسعه، از مطالعات موردی کشوری استفاده کردند. مطالعات موردی در تعمیم مشاهدات از یک کشور به کل گروه اقتصادهای درحال توسعه استفاده می‌شد. روش «روایات تحلیلی» به چند دلیل برای مطالعه کشورهای درحال توسعه مناسب است: اول این که روایت تحلیلی تبیینی از پدیده‌ها و فرایندها درون شرایط نهادی خاص ارائه می‌کند که در آن رخ می‌دهد و تعامل میان شرایط خاص کشور و تأثیر محیط خارجی را برجسته می‌کند. برای مثال، روایت‌های تحلیلی جمع‌آوری‌شده کشورها در رودریک (۱۲۱- ۱۲۰: ۲۰۰۳ Rodrik)، سیاست‌های اقتصاد خرد و کلان، و ترتیبات نهادی را بررسی می‌کند که از آن‌ها و از عوامل سیاسی، تاریخی، فناوری، و جغرافیایی خاص کشور به‌وجود می‌آیند. به این ترتیب، این روایت‌ها اقتصاددانان توسعه را قادر به پیدا کردن پاسخ به معماهای رشد و توسعه می‌سازد که توسط ادبیات تجربی رشد توضیح داده نشده است.

دوم این که روایت تحلیلی اطلاعات موردنیاز اقتصاددانان توسعه برای ارزیابی رابطه علت و معلولی برای شرایطی ارائه می‌کند که باید توالی زمانی، حوادث خاص، و وابستگی به مسیر در نظر گرفته شود (۱۱۶۴: ۱۹۹۹ Mahoney). در نتیجه به درک بهتر درمورد جهت روابط علت و معلولی در کشورهای درحال توسعه کمک می‌کند.

سوم این که روایت‌های تحلیلی می‌تواند بصیرت‌های مهمی ارائه کند، به‌ویژه هنگامی که ویژگی خاص بودن یک پدیده مانع جمع‌آوری داده‌های تجربی موردنیاز برای تحلیل آماری می‌شود. درحالی که این پدیده خاص امکان بررسی کمی ندارد (۲۱۰: ۲۰۰۴ Levi).

از دیدگاه روش‌شناختی روایت‌های تحلیلی اطلاعات تجربی اکتشافی ایجاد می‌کند که برای رسیدن به نتایج نظری از طریق استدلال استقرایی لازم است. البته یافته‌های روش روایت‌های تحلیلی قابلیت انتقال محدود به دیگر شرایط ساختاری متفاوت را دارد.

۵.۵ روش تجربه کنترل‌شده (آزمایشگاهی) (experimental methods)

روش اقتصاد آزمایشگاهی می‌تواند به‌منظور ارزیابی طیف گسترده‌ای از برنامه‌های توسعه استفاده شود که افراد یا جوامع محلی مانند پروژه تأسیسات بهداشتی، اصلاحات دولت

محلی، آموزش، و سلامت را هدف گرفته است. برخلاف روایت‌های تحلیلی، تجربیات آزمایشگاهی، روش اکتشافی، یا تحقیقات مشاهده‌ای نیستند، بلکه ابزاری برای «ارزیابی تأثیر» (impact evaluation) است. روش تجربه کنترل‌شده نیازمند پروژه، اجرا، و هم‌چنین فرضیه‌های مربوط درمورد روابط علت و معلولی است. رایج‌ترین روش تجربه کنترل‌شده برای ارزیابی نتایج توسعه «تجربیات کنترل‌شده تصادفی» (randomized experiments) است که برای «ارزیابی تأثیر» استفاده می‌شود و تلاش می‌کند به این سؤال خلاف واقع (counterfactual) پاسخ دهد: در صورت فقدان این پروژه یا برنامه وضع افرادی که در این پروژه یا برنامه شرکت کرده‌اند چگونه بود؟ یا در صورت اجرای این پروژه یا برنامه وضع افرادی که در پروژه یا برنامه قرار نداشتند چگونه بود؟ ایده پشت آزمایش‌های تصادفی مقایسه یک فرد یا گروهی از افراد است که تحت تأثیر اقدامات توسعه‌ای با فرد یا گروه با ساختار مشابه که در همان شرایط زندگی می‌کنند، اما در معرض اثرات پروژه یا برنامه قرار ندارند. در زبان پژوهش آزمایشگاهی، گروه اول گروه موردبررسی است، درحالی‌که گروه دیگر به عنوان گروه کنترل یا گروه مقایسه است. گروه مقایسه باید به‌طور کامل از اثرات پروژه یا برنامه جدا شود و نباید با گروه در هیچ جنبه‌ای غیر از اثر پروژه یا برنامه تفاوت داشته باشد؛ زیرا هر تفاوت دیگری میان دو گروه ناشی از اثرات پروژه یا برنامه است و در نتیجه نتایج ارزیابی را مختل می‌کند. این تورش انتخاب می‌تواند از طریق ارزیابی تصادفی اجتناب شود. این امر با انتخاب گروه موردبررسی و گروه مقایسه به‌طور تصادفی از جمعیت بالقوه شرکت‌کنندگان (از قبیل افراد، جوامع، مدارس، یا کلاس‌های درس) انجام می‌شود. آزمایش‌های تصادفی در صورتی کار می‌کند که استراتژی ارزیابی آن‌ها (برای مثال شناسایی گروه موردبررسی و گروه کنترل) در طراحی و اجرای برنامه مربوطه ادغام شده باشد. تجربه کنترل‌شده تصادفی روش پژوهش برای اقتصاددانان توسعه است. به دلیل این‌که آزمایش‌های تصادفی در تعیین روابط علی از روش‌های تحقیق تجربی ابهام کم‌تری دارد، هم‌چنین به دلیل این‌که روش‌های آزمایشگاهی به عنوان ابزاری برای ارزیابی دقیق برنامه‌هایی که کوچک‌اند و اثرات آن محدود به یک زمینه خاص است، بهتر کار می‌کند (Altman ۲۰۱۱: ۱۷۷-۱۹۴; Banerjee and Duflo ۲۰۰۸: ۳۲-۳۳).

۶. نقد ترجمه متن

در زمینه معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی و واژه‌های انگلیسی، در اغلب موارد معادل‌سازی‌های مناسبی ارائه شده است. درعین حال، مواردی وجود دارد که می‌تواند

در چاپ بعدی توسط مترجم بازنگری شود. ترجمه یا اصلاح پیش‌نهادی داخل پیرانتز است.

در صفحه ۴۸، «جمهوری آمریکای مرکزی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «جمهوری آفریقای مرکزی» است و در همان صفحه، «درنهاد» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «برنهاد» است؛ در صفحات ۷۰، ۵۱ و ۶۹۷، نام کشور «مراکش» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «مغرب» است؛ در صفحات ۹۱، ۵۶ و ۵۸۳، تغییرات آب‌وهوایی ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «تغییر اقلیم» است؛ در صفحه ۶۵، «کشورهای غیر انگلیس» ذکر شده است که لازم است معادل انگلیسی آن در زیرنویس آورده شود؛ در صفحه ۶۷، «نمانگر» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «نماگر» است؛ در صفحه ۸۷، «شاخص اسپرسوی لیوان بلند» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «قهوه لاته لیوان بلند» است؛ در صفحه ۹۱، «ره‌یافت زیست‌شناسانه تکاملی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «ره‌یافت زیست‌شناسانه تطوری» است؛ در صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴، «صد و یک پنجاهم» و «صد و یک بیستم در آمد» ذکر شده است، درحالی‌که مقصود از این عبارت روشن نیست؛ در صفحه ۱۳۵ «انقلاب قیمت» ذکر شده است، درحالی‌که مقصود از این عبارت روشن نیست؛ در صفحات ۵۴، ۶۱، ۱۰۱، ۱۳۵، ۱۴۵ و ۸۳۶ عبارت ارز خارجی ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «ارز» است؛ در صفحه ۱۶۱، بازار سلف ارز ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «بازار پیمان آتی» است. باید توجه داشت که فوروارد با سلف تفاوت دارد؛ در صفحه ۱۹۵، «مواد لازم» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «مواد لازم» است؛ در صفحه ۲۱۱، «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» است؛ در صفحه ۲۱۳، «شش نرخ‌های مبادله» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «نرخ‌های ارز» است؛ در صفحه ۲۱۴، «حذف نظارت دولتی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «حذف نظارت دولتی» است؛ در صفحه ۲۲۲، «پژوهش مبتنی بر تجربه» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «پژوهش اقتصاد آزمایشگاهی» است؛ در صفحه ۲۳۳، زیرنویس ۱۱۴ به بازنگری اساسی و ارائه معنای صحیح موافق چرخه و مخالف چرخه کسب‌وکار نیاز دارد. در صفحه ۵۱۲، «احتمال خطر و عدم قطعیت» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «احتمال ریسک و نااطمینانی» است؛ در صفحه ۵۶۲، «نفرین منابع» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «کفران منابع» است؛ در صفحه ۷۲۲ و ۹۶۸، «انجمن بین‌المللی توسعه» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «مؤسسه بین‌المللی توسعه» است؛ در صفحه ۷۳۳، «صندوق‌های دارایی مستقل» ذکر شده است، درحالی‌که

درست آن «صندوق‌های ثروت حاکمیتی» است؛ در صفحه ۷۷۸، «نهادهای چندوجهی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «نهادهای چندجانبه» است؛ در صفحه ۸۵۴، «موهبت عامل» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «موجودی عوامل تولید» است؛ در صفحه ۱۰۶۷، «قیمت‌های دولتی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «قیمت‌های مدیریت‌شده» است؛ در صفحه ۱۰۶۹، «حد اعتبار احتیاطی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «خط اعتباری مشروط به وقوع» است؛ در صفحه ۱۰۷۳، «قیمت لذت‌بخش» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «قیمت هدانیک» است؛ در صفحه ۱۰۷۶، «تعیین افزایش قیمت» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «قیمت‌گذاری قیمت افزوده» است؛ در صفحه ۱۰۷۶، «ترتیب چندبافتی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «ترتیبات الیاف چندگانه در سازمان جهانی تجارت» است؛ در صفحه ۱۰۷۹ «حق الضرب» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «حق نشر پول» است؛ در صفحه ۱۰۸۰، «تعطیلات مالیاتی» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «معافیت‌های مالیاتی موقت» است؛ در صفحه ۱۰۸۱، «ابداع تجاری» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «ایجاد تجارت» است؛ در صفحه ۱۰۸۱، «ترتیبات رهاسازی قیمت» و «ترتیبات تکان‌دهنده قیمت» ذکر شده است، درحالی‌که درست آن «ترتیبات هدف‌گیری قیمت» است.

۷. نتیجه‌گیری

کتاب توسعه اقتصادی نافزیگر متن درسی است که عمده سرفصل‌های درس توسعه اقتصادی را پوشش می‌دهد. ویرایش فنی اثر مناسب است. تأکید اصلی کتاب بر آسیا، آفریقا، و آمریکای لاتین است. از مزایای متن آن است که فصل ۱۲ را به نقش کارآفرینی و نوآوری و بخش پنجم کتاب را به استراتژی‌های توسعه اقتصادی اختصاص داده است. نتیجه مقایسه متن با متون مشابه آن است که توسعه اقتصادی نافزیگر نیازمند روزآمدشدن باتوجه‌به مباحث جدید توسعه اقتصادی در زمینه حقایق سبک‌شده جدید رشد و توسعه، آسیب‌شناسی رشد، اقتصاد توسعه رفتاری، روش روایت‌های تحلیلی، و روش تجربه کنترل‌شده (آزمایشگاهی) در رشد و توسعه اقتصادی است. شیوه کتاب درمورد وضعیت کشورهای درحال توسعه ازطریق نوزده سؤال و پاسخ به آن در نوزده فصل، روش ابتکاری کتاب برای تبیین مسئله‌محور توسعه اقتصادی است که موفقیت‌آمیز بوده است.

پی‌نوشت

۱. کتاب/اقتصاد فقیر، نوشته بنرجی و دوفلو (۱۳۹۶)، کاربرد اقتصاد توسعه رفتاری در بررسی فقر است.

کتاب‌نامه

دوفلو، استر و آبهجیت بنرجی (۱۳۹۶)، *اقتصاد فقیر*، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران: دنیای اقتصاد.

میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی رشد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی ش ۱۴۷۹۵، اردیبهشت.

میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۴)، «الزامات دست‌یابی به رشد هشت‌درصد، مروری بر تجربه سیزده کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی ش ۱۴۸۵۸، خرداد.

نافزیگر، ای. واین (۱۳۸۹)، *توسعه اقتصادی*، ترجمه محمدرضا منجذب، تهران: آسیم.

نافزیگر، ای. واین (۱۳۹۵)، *توسعه اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد و امیر آزاد، ج ۱ و ۲، تهران: نشر نی.

Altmann, M. P. (۲۰۱۱), *Contextual Development Economics*, Springer Science.

Banerjee, Abhijit V. and Esther Duflo (۲۰۰۸), "The Experimental Approach to Development Economics", *NBER Working Paper*, no. ۱۴۴۶۷.

Datta, Saugato and Sendhil Mullainathan (۲۰۱۴), "Behavioral Design: a New Approach to Development Policy", *The Review of Income and Wealth*, vol. ۶۰, no. ۱.

Hausmann, Ricardo, Bailey Klinger, and Rodrigo Wagner (۲۰۰۸), "Doing Growth Diagnostics in Practice: a Mindbook", *Center for International Development at Harvard University, Working Paper*, no. ۱۷۷.

Levi, Margaret (۲۰۰۴), "An Analytic Narrative Approach to Puzzles and Problems", in: *Problems and Methods in the Study of Politics*, I. Shapiro, R. Smith, and T. Masoud (eds.), New York: Cambridge University Press.

Mahoney, James (۱۹۹۹), "Nominal, Ordinal, and Narrative Appraisal in Macrocausal Analysis", *American Journal of Sociology*, vol. ۱۰۴, no. ۴.

Nafziger, E. Wayne (۱۹۷۶), "A Critique of Development Economics in the U.S", *Journal of Development Studies*, vol. ۱۳.

Nafziger, E. Wayne (۱۹۹۴), *Poverty and Wealth: Comparing Afro-Asian Development*, Greenwich, Conn: JAI Press.

Nafziger, E. Wayne (۱۹۹۵), *Learning from the Japanese: Japan Prewar Development and the Third World*, Armonk, NY: M. E Sharpe.

Nafziger, E. Wayne (۲۰۰۵), "Meiji Japan as a Model for Africa's Economic Development", *African and Asian Studies*, vol. ۴.

- Nafziger, E. Wayne (۲۰۰۷), *From Seers to Sen: The Meaning of Economic Development*, UN University WIDER.
- Nafziger, E. Wayne (۲۰۰۸), *Entrepreneurship and Development*, International Handbook of Development Studies, Edward Elgar.
- Nafziger, E. Wayne (۲۰۱۲), *Economic Development*, ۵th edition, Cambridge University Press
- Nafziger, E. Wayne et al. (۱۹۷۹), *Development Theory: Four Critical Studies*, London: Frank Cass.
- Rodrik, Dani (۲۰۰۳), *In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth*, Princeton University Press.
- Rodrik, Dani (۲۰۱۰), "Diagnostics before Prescription", *Journal of Economic Perspectives*, vol. ۲۴, no. ۳.

